گفت‌وگوی «جوان» با سردار محمد کوثری درباره سردار شهید احمد اسکندری از فرماندهان گمنام دفاع مقدس

# ابتکار عمل شهید اسکندری عرصه را برای منافقین تنگ کرده بود

**علیرضا محمدی**

**۲۷ بهمن سالروز شهادت سردار احمد اسکندری از ارکان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) در عملیات والفجر مقدماتی در سال ۱۳۶۱ بود. همان زمان یادکردی از ایشان منتشر کردیم اما حیف‌مان آمد از این سردار رشید اما گمنام جبهه‌ها بیشتر ندانیم و ننویسیم. لذا سراغ سردار محمداسماعیل کوثری نماینده کنونی مجلس شورای اسلامی و آخرین فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) در دفاع مقدس رفتیم و گفت‌وگوی کوتاهی در خصوص این شهید با ایشان انجام دادیم.**

شهید اسکندری نفر دوم از سمت چپ در کنار سردار حاج علی فضلی

**فعالیت‌های امنیتی**

سردار کوثری در خصوص نحوه آشنایی‌اش با شهید اسکندری گفت: حاج‌احمد در تهران در ناحیه‌ها و پایگاه‌ها فعال بود. آن زمان چند پایگاه محوری در سطح شهر تهران داشتیم که ستون اصلی جذب و اعزام رزمنده‌ها در تهران به شمار می‌رفتند. شهید اسکندری در سطح نواحی و پایگاه‌ها فعالیت می‌کرد و جزو ارکان اصلی بود. ایشان به واسطه حضور پررنگی که در سپاه تهران و همین طور کارهای امنیتی، عملیاتی، ستادی، و جذب نیرو داشت، نه تنها برای بنده که در نظر اغلب فرماندهان فردی شناخته‌شده به شمار می‌رفت و به توانایی‌هایش واقف بودیم.

**خطر ترور**

نماینده یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در ادامه بیان داشت: زمانی که اسکندری در سپاه تهران فعالیت می‌کرد، به دلیل حضور پررنگ منافقین، جو ترور در تهران و اغلب شهرهای بزرگ کشورمان حاکم بود. در چنین شرایطی حتی نیروهای ساده حزب‌اللهی در معرض خطر ترور قرار داشتند، چه برسد به افرادی مثل احمد اسکندری که ستون مبارزه با ضدانقلاب بودند. برای این افراد شهر چیزی کم از جبهه‌ها نداشت و شاید خطرناک‌تر هم بود چراکه در جبهه خط دشمن مشخص بود اما در شهر و با وجود نفوذی‌ها، این خطوط خودی و دشمن مشخص نبود و هر آن امکان ترور و شهادت می‌رفت.

**گشت ثارالله**

وی درباره فعالیت‌ها و اقدامات شهید اسکندری اظهار داشت: اسکندری در تهران کارهای اطلاعاتی و امنیتی می‌کرد و علیه ضدانقلاب کارنامه قابل قبولی از خودش برجای گذاشته بود. ایشان یک فرد پرکار بود و هم در امور ستادی و هم در فعالیت‌های عملیاتی و اطلاعاتی تجربیات زیادی داشت. می‌توانم بگویم در تمامی آنها نیز چهره موفقی از خود به نمایش گذاشته بود. از طرفی چون ذهن بازی داشت، اقدام به تشکیل گردان القارعه و گشت ثارالله کرد. آنهایی که سن‌شان به دوران جنگ قد می‌دهد، حتماً گشت‌های ثارالله را یادشان است. این گشت‌ها در ایجاد امنیت واقعاً تأثیرگذار بودند و شهید اسکندری یکی از افرادی بود که در تشکیل گشت‌های ثارالله نقش بارزی داشت. ابتکار عمل شهید اسکندری عرصه را برای ضدانقلاب تنگ کرده بود.

> **چرا امثال شهید اسکندری باید مسئولیت‌شان را در تهران رها می‌کردند و به منطقه جنگی می‌آمدند؟ آنها می‌آمدند چون فکر و ذکرشان در جبهه بود. دغدغه داشتند و نمی‌توانستند با گفتن اینکه ما هم در تهران کار می‌کنیم، خیال‌شان را از بابت جبهه‌ها آسوده کنند. لذا در هر فرصتی به جبهه می‌آمدند تا به دین‌شان عمل کنند**

**شهید موسوی**

فرمانده لشکر ۲۷ در سال‌های پایانی دفاع مقدس در پاسخ به این سؤال که چطور یک فرمانده ستادی به جبهه‌های جنگ اعزام شده بود؟ پاسخ داد: امثال اسکندری آدم‌های مخلصی بودند که هرچند در تهران با ضدانقلاب و منافقین می‌جنگیدند اما دل‌شان همیشه در جبهه بود و هر زمان که فرصتی به دست می‌آمد، اقدام به اعزام می‌کردند. من نمونه‌های زیادی از این آدم‌های مخلص سراغ دارم. یکی از آنها شهید موسوی از نیروهای انسانی (پرسنلی) سپاه تهران بود که می‌توانست اصلاً به جبهه نیاید و اتفاقاً فرماندهان هم تأکید داشتند که از تخصص در تهران استفاده کند اما خودش اصرار داشت که به جبهه بیاید. یادم است وقتی که می‌خواست وارد عملیات والفجر مقدماتی شود، از او خواستم در تهران بماند. گفت که دلش در جبهه‌ها است می‌خواهد هر طور شده در عملیات شرکت کند. همراه شهید اسکندری آمد و او هم در همین عملیات والفجر مقدماتی به شهادت رسید.

**معاون دوم لشکر**

فرماندهی یگان عملیات پادگان ولیعصر(عج)، عملیات شهری و سرکوب ضدانقلاب از جمله اقدامات و مسئولیت‌های شهید اسکندری در تهران بود که سردار کوثری با اشاره به آنها گفت: وقتی قرار شد اسکندری برای شرکت در عملیات والفجر مقدماتی به جبهه بیاید، حول و حوش آذرماه ۱۳۶۱ بود. آمد و چون از قبل او را می‌شناختیم، قرار شد به عنوان معاون دوم لشکر ۲۷ در این عملیات ورود کند.

کوثری افزود: ذکر این نکته ضروری است که در مقطع عملیات والفجر مقدماتی سازمان رزم سپاه پاسداران ارتقا پیدا کرده و موقتاً چند سپاه تشکیل شد. زیرمجموعه هر سپاه هم چند لشکر یا تیپ قرار داشتند. سپاه ۱۱ قدر به فرماندهی شهید همت بر همین اساس تشکیل شد و من هم مسئول عملیات سپاه ۱۱ قدر شدم. چون همت از لشکر ۲۷ رفته بود، حاج‌علی فضلی فرمانده این لشکر شد و به گمانم شهید کلهر هم جانشینش بود. اسکندری که به منطقه آمد، با توجه به شناختی که از ایشان داشتیم، او را معاون دوم لشکر کردیم. ایشان هم کارهای ستادی انجام می‌داد و هم کارهای عملیاتی.

شهید اسکندری و سردار سعید قاسمی

**عملیات سخت**

وی با اشاره به توانایی‌های شهید اسکندری در ارتباط‌گیری با نیروها و هدایت صحیح آنها در شرایط عملیاتی بیان داشت: والفجر مقدماتی یک عملیات سخت و دشوار بود. در این شرایط فرماندهان یگان‌های میدانی باید از هوش و توانایی‌های بالایی برخوردار بودند تا می‌توانستند نیروها را خوب هدایت کنند. شهید اسکندری به دلیل تجربیاتی که در عملیات شهری داشت، به خوبی می‌توانست با نیروها هماهنگ شود. هرچند والفجر مقدماتی در کلیتش چندان موفقیت‌آمیز نبود و به دلیل مقاومت دشمن نیروهای عمل‌کننده مجبور به بازگشت شدند اما کسانی که در آوردگاه والفجر مقدماتی ایستادند و جنگیدند، به واقع مردان مردی بودند که می‌توانستند در هر آوردگاه دیگری نیز ایستادگی کنند. اسکندری هم یکی از همین آدم‌ها بود.

**صبور و فکور**

فرمانده لشکر ۲۷ در دفاع مقدس در خصوص روحیات و خصوصیات اخلاقی شهید اسکندری گفت: این‌طور بگویم که اسکندری از نظر اخلاقی واقعاً یک انسان بسیار صبور و بسیار بااخلاق بود. صبرش به چشم می‌آمد. آگاهانه و با بصیرت کارش را دنبال می‌کرد. فرقی نداشت عملیات شهری باشد یا عملیات جنگی در کوه‌ها و بیابان‌ها، او همیشه با آگاهی قدم به میدان می‌گذاشت و کارش را به نحو درست انجام می‌داد.

وی افزود: من با دوستان و همرزمان دیگر هم که در مورد اسکندری صحبت می‌کردم، آنها هم نظرات این شهید والامقام را قبول داشتند چراکه صبر و تفکر و بصیرت در هر شخصی باشد، نظرات آن شخص را ارزشمند می‌کند و به این ترتیب افراد نزدیک به اسکندری ایشان را فردی توانمند معرفی می‌کردند. کوثری در ادامه بیان داشت: روحیه شهادت‌طلبی از دیگر خصوصیات بارز این شهید بزرگوار بود. او می‌توانست به جبهه نیاید یا حتی‌المقدور به خط مقدم نرود اما با حضور مشتاقانه در خط مقدم دوشادوش دیگر رزمندگان حرکت کرد و با آن خودسازی و ولایتمداری که داشت، شهادت را در آغوش گرفت در فکه آسمانی شد.

**رشید اما گمنام**

وی افزود: با معیارهای الان که به زندگی شهید اسکندری نگاه می‌کنیم، از خودمان می‌پرسیم چرا امثال شهید اسکندری باید مسئولیت‌شان را در تهران رها می‌کردند و به منطقه جنگی می‌آمدند؟ آنها می‌آمدند چون فکر و ذکرشان در جبهه بود. دغدغه داشتند و نمی‌توانستند با گفتن اینکه ما هم در تهران کار می‌کنیم، خیال‌شان را از بابت جبهه‌ها آسوده کنند. لذا در هر فرصتی به جبهه می‌آمدند تا به دین‌شان عمل کنند و به راستی که شهادت بهترین پاسخ به اخلاص چنین افرادی بود.

این فرمانده دفاع مقدس در پایان گفت: نکته‌ای که در خصوص شهید اسکندری و افرادی مثل شهید موسوی تأسف‌برانگیز است، گمنامی این افراد است. آنها چون یک مقطعی کارهای ستادی انجام می‌دادند، کمتر بین رزمنده‌ها و در فضای جبهه‌ها شناخته شده بودند. آرام و بی‌ادعا کارشان را انجام می‌داد و در فرصت‌های به دست آمده به جبهه اعزام می‌شدند. به همین خاطر خیلی شناخته شده نبودند. همین شهید بزرگوار احمد اسکندری معاون دوم لشکر خط‌شکن محمد رسول‌الله(ص) بود اما برخی از رزمنده‌های دفاع مقدس هم ایشان را نمی‌شناسند چه برسد به نسل جوان. همین جاست که رسالت شما اهل رسانه سنگین‌تر می‌شود و شما باید برای شناساندن چنین چهره‌های درخشانی بیشتر تلاش کنید.

**نمای نزدیک**

شهید احمد اسکندری سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای دورافتاده شهرستان خمین به‌نام «چنار» به دنیا آمد. در دوران کودکی پیش از رفتن به مدرسه به تحصیل علوم مذهبی پرداخت. وقتی به مدرسه رفت، چون هوش بالایی داشت، در میان دوستان و همکلاسی‌هایش به‌عنوان شاگرد ممتاز مطرح بود. احمد توانست تحصیلاتش را تا اول راهنمایی ادامه دهد و بعد از آن همراه خانواده‌اش به تهران مهاجرت کرد. سال ۱۳۵۴ ازدواج کرد و کمی بعد همزمان با اوج گرفتن انقلاب مردم ایران، به صف انقلابی‌ها پیوست و علیه رژیم طاغوت به مبارزه پرداخت. چون در تهران بود، زودتر متوجه اوضاع و احوال سیاسی کشور شد و از تظاهرات و پخش اعلامیه و هماهنگی برای راهپیمایی گرفته، هر کاری که از دستش برمی‌آمد انجام می‌داد.

شهید اسکندری بعد از پیروزی انقلاب در مسجد احمدیه نارمک آموزش نظامی دید و در اردیبهشت ۱۳۵۹ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. تشکیل گردان القارعه، تشکیل گشت ثارالله، فرماندهی یگان عملیات پادگان ولیعصر(عج)، عملیات شهری و سرکوب ضدانقلاب از جمله اقدامات شهید اسکندری در سپاه بود.

با آغاز دفاع مقدس، احمد اسکندری به جبهه رفت و در سال ۱۳۶۱ مقارن با عملیات والفجر مقدماتی معاونت لشکر حضرت رسول(ص) را بر عهده گرفت. در این عملیات به صورت موقت تغییراتی در لشکر ۲۷ رخ داده و شهید همت فرماندهی سپاه ۱۱ قدر را برعهده گرفته بود. در این شرایط سردار فضلی فرمانده لشکر ۲۷ شد و اسکندری نیز معاون دوم لشکر. اما تنها چند روز پس از شروع عملیات والفجر مقدماتی، احمد اسکندری که سال‌ها به دنبال شهادت بود، در روز بیست‌وهفتم بهمن ۱۳۶۱ در سن ۲۵ سالگی در فکه آسمانی شد. پیکر پاکش پس از تشییع در روستای زادگاهش «چنار» به خاک سپرده شد. از این شهید بزرگوار دو فرزند دختر به یادگار مانده است.

**نگاه**

نگاهی به قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت در پنجم اسفند ۱۳۶۴

## پیش‌درآمدی برای تصویب قطعنامه ۵۹۸

**غلامحسین بهبودی**

**قطعنامه ۵۸۲ در پنجم اسفند ۱۳۶۴ از سوی شورای امنیت تصویب شد. این قطعنامه پیش‌درآمدی برای تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ بود. در واقع پیروزی بزرگ نظامی ایران در عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه‌جزیره فاو، اصلی‌ترین دلیل تصویب قطعنامه ۵۸۲ شد که تا حدودی به درخواست‌های به‌حق ایران توجه نشان می‌داد. در حالی که قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت، صرفاً در حمایت از عراق بود و واقعیات جنگ تحمیلی را نادیده می‌گرفت. با هم نگاهی به این واقعه تاریخی می‌اندازیم.**

دو روز پس از آنکه ایران شبه‌جزیره فاو را تصرف کرد، عراق و هفت کشور اتحادیه عرب درخواست دادند تا جلسه شورای امنیت تشکیل شود. هر بار که عراق در میادین جنگ شکست می‌خورد، سعی می‌کرد تا از ابزار دیپلماسی برای جبران شکست استفاده کند و چون برخی از کشورهای عربی نیز با او همراه بودند، این درخواست‌ها با اجماع روبه‌رو می‌شد و شورای امنیت را به تکاپو وامی‌داشت.

این بار هم شکست عراق در عملیات والفجر ۸، دلیلی برای برگزاری جلسه شورای امنیت در پنجم اسفند ۱۳۶۴ شد. در این زمان موقعیت رزمندگان در مناطق متصرف‌شده فاو تثبیت شده بود و دیگر کسی به بازپس‌گیری این مناطق از سوی عراق امید نداشت. لذا اعضای شورای امنیت در جلسه خود قطعنامه‌ای را به تصویب رساندند که سعی می‌کرد نظر ایران را جلب کند و گامی برای اتمام جنگ تحمیلی بردارد.

> **جمهوری اسلامی ایران در پی صدور قطعنامه ۵۸۲ اعلام کرد آن قسمت از قطعنامه که به کل جنگ و خاتمه خصومت‌ها مربوط می‌شود، ناقص، بی‌اعتبار و غیرقابل اجراست و عراق نیز اعلام کرد اگر ایران این قطعنامه را رسماً و بدون شرط بپذیرد، عراق نیز آن را اجرا خواهد کرد. به این ترتیب این قطعنامه نیز به سرنوشت مشابه قطعنامه‌های قبلی دچار شد**

در قطعنامه ۵۸۲ قدرت‌های بزرگ با یادآوری شش سال درگیری بر عدم استفاده از کاربرد گازهای خفه‌کننده و مسموم در جنگ‌ها تأکید کردند. از اسفند سال ۶۲ که عراق به شکل گسترده از گازهای شیمیایی استفاده می‌کرد، یکی از اولین دفعات بود که شورای امنیت به این مورد اشاره می‌کرد و این مسئله می‌توانست کورسوی امیدی برای محکومیت عراق باشد. هرچند این محکومیت به شکل صریح صورت نگرفت اما نشان داد که موفقیت رزمنده‌ها در تصرف فاو، قدرت‌های بزرگ را برآن داشته تا به درخواست‌های به‌حق ایران نیز توجه نشان بدهند.

اما نکته تأسف‌برانگیز قطعنامه ۵۸۲، اشاره آن به غیر قابل قبول بودن کسب اراضی از راه زور بود. با توجه به اینکه عراق از مهر سال ۵۹ تا خرداد سال ۶۱ مناطق نسبتاً وسیعی از خاک کشورمان را در تصرف داشت، در تمام این مدت شورای امنیت تنها یک قطعنامه به تصویب رساند که در آن صرفاً به ترک مخاصمه اشاره شده بود، نه احترام به مرزهای بین‌المللی و بازگشت به آنها. اما وقتی که نوبت به تصرف خاک عراق توسط ایران رسید، شورای امنیت به تکاپو افتاد و از غیر قابل قبول بودن کسب اراضی از راه زور اشاره کرد.

در ادامه مفاد قطعنامه ۵۸۲، به مواردی چون تأسف از تشدید حملات به مناطق غیرنظامی، حمله به کشتی‌های بی‌طرف و استفاده از سلاح‌های شیمیایی روبه‌رو می‌شویم و نهایتاً قدرت‌های بزرگ خواهان آتش‌بس شده بودند. همان طور که پیشتر نیز اشاره شد، واضح است که صدور قطعنامه ۵۸۲ تنها در نتیجه تصرف فاو بوده و بررسی علل جنگ و معرفی متجاوز، به صورت مبهم و سربسته مطرح شده بود که این مورد اخیر «معرفی متجاوز» یکی از درخواست‌های اصلی و به‌حق ایران بود که برای اولین بار در قطعنامه ۵۸۲ به صورت تلویحی به آن اشاره شد و نهایتاً در قطعنامه ۵۹۸، شورای امنیت به شکل صریحی به آن ورود کرد.

جمهوری اسلامی ایران در پی صدور این قطعنامه اعلام کرد آن قسمت از قطعنامه که به کل جنگ و خاتمه خصومت‌ها مربوط می‌شود، ناقص، بی‌اعتبار و غیرقابل اجراست و عراق نیز اعلام کرد اگر ایران این قطعنامه را رسماً و بدون شرط بپذیرد، عراق نیز آن را اجرا خواهد کرد. به این ترتیب این قطعنامه نیز به سرنوشت مشابه قطعنامه‌های قبلی دچار شد.

**جدول**

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۳۳

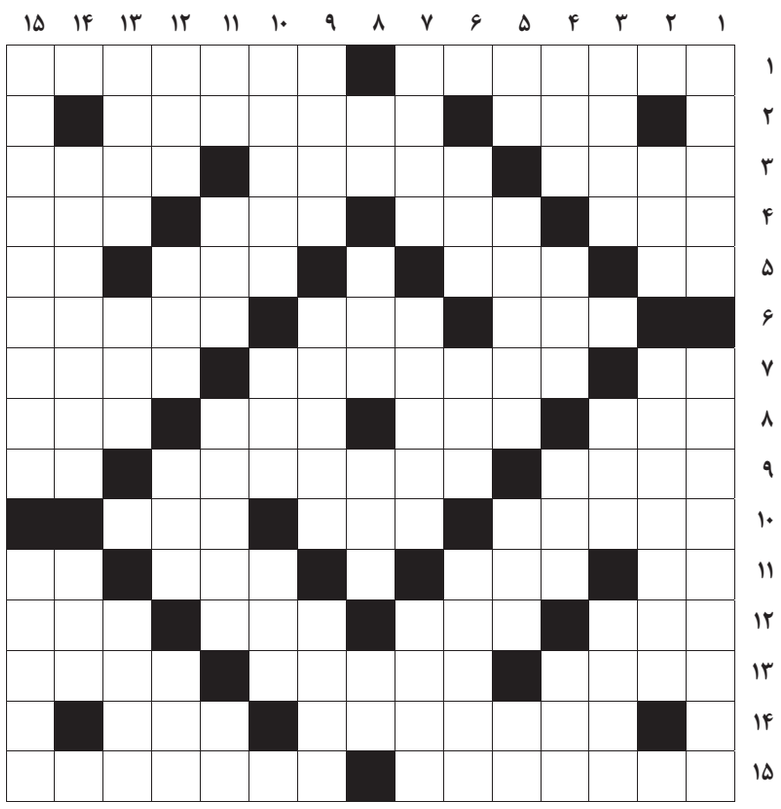

### از راست به چپ

■ ۱- از آثار شهید دستغیب- ابزار معاینه حلق بیماران ■ ۲- پدر ادریس نبی- سرگذشت کوتاه یک رویداد ■ ۳- خون بسته- واحد اندازه‌گیری ظرفیت الکتریکی- دهانه قنات ■ ۴- قلمه درخت- جمع منت- شیر اول زائو- از حبوبات ■ ۵- هواپیمای سریع- ضربه فنی در کشتی- تقویت رادیویی- منقار کوتاه ■ ۶- حمام تاریخی کاشان- طرز و روش- حیوانی که در آتش نمی‌سوزد ■ ۷- پوستین وارونه- اخاذی؛ تلکه- شعله آتش ■ ۸- زادگاه نیما- روال نشده- واحد پول عهد ساسانیان- گنج ■ ۹- طی طریق کردن- کذایی- حرف دهن‌کجی ■ ۱۰- فیلم غرب وحشی- نویسنده دمیان- رهبر کره شمالی ■ ۱۱- لخت- گلخن حمام- لازمه خمیر و آماده شدن برای پخت- جام معروف ■ ۱۲- ناوک بی سر- متضاد همه- بندر مادر بزرگ عربستان- از شما دور باد ■ ۱۳- عارضه نزدیک‌بینی از مرکبات پر هسته- بیماری قرن ■ ۱۴- آدم چوبی کارتونی- دشت و صحرا ■ ۱۵- پرنشیب و فراز- اثر سروانتس، نویسنده اسپانیایی و هم نام شخصیت اصلی آن رمان

### از بالا به پایین

■ ۱- درد شکمی- اثر فخرالدین اسعد گرگانی ■ ۲- آجر نپخته- نویسنده سرشناس روس جنگ و صلح ■ ۳- بی‌همتا- ضربه فوتبالی- جای نشستن مسافر در قطار ■ ۴- خالص- تند و برنده- قطعه زمین کشاورزی- مخفف پیام ■ ۵- دشمن سخت- مانور- عزیزتر از فرزند- جدید ■ ۶- پرنده‌ای کوچک‌تر از گنجشک- جایز و شایسته- سرزمین خونبار کربلا ■ ۷- نوعی گاز- یکتا- بنده ■ ۸- صدمتر مربع- زمان زودگذر- مایع اتصال- شهر حضرت عبدالعظیم ■ ۹- اقیانوس کبیر- راه پرپیچ و خم در کوه- لشکریان ■ ۱۰- آگاه و هوشیار- چین و شکن- رگ گردن ■ ۱۱- چرک بدن- آهک- زینت مساجد- راندن مزاحم ■ ۱۲- تیم فوتبالی در ایتالیا- هواپیمایی ملی- گربه‌سان تیزپا- درس نخوانده ■ ۱۳- بیرم- آلوی کوهی- علم و دانش ■ ۱۴- محل ارتزاق- لباس کتاب ■ ۱۵- دارای روزی یا درآمد کم- نفت سیاه

### جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۲ | | | ۵ | ۹ | | |
| | | | | | ۶ | | | ۷ |
| | | ۳ | | | | ۱ | | ۵ |
| | ۱ | | ۵ | | ۲ | | | |
| | | | | | | ۲ | | |
| | ۵ | ۸ | ۷ | | | | | |
| | | ۶ | | | | | ۹ | ۱ |
| ۳ | | | | ۴ | | | | |
| | ۹ | ۷ | | ۳ | | | | |

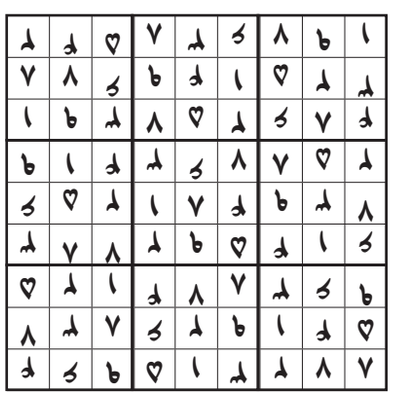

### جدول کلمات متقاطع
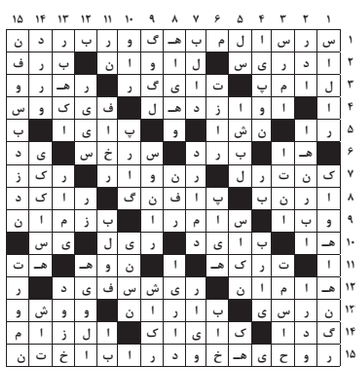
پاسخ جدول شماره ۶۴۳۲